مرور

تشریفات و تغییرات

آلیس مونرو ازجمله نویسندگانی است که به شکل متمرکز به نوشتن داستان کوتاه پرداخته و به این‌واسطه از مشهورترین داستان‌کوتاه‌نویسان معاصر به‌شمار می‌رود. اغلب داستان‌های کوتاه مونرو در نشریه نیویورکر به‌چاپ رسیده‌اند و تاکنون بیش از ده مجموعه داستان نیز از او منتشر شده است. مونرو در سال ۲۰۱۳ برنده نوبل ادبی شد و به‌این‌خاطر شهرتی بیش از قبل به‌دست آورد. تاکنون چندین کتاب مونرو به فارسی ترجمه شده و به‌تازگی نیز کتاب «سرنوشت زنان و دختران» با ترجمه مریم عروجی در نشر بوتیمار منتشر شده است. «سرنوشت زنان و دختران» از هشت داستان کوتاه تشکیل شده که به‌نوعی در ارتباط با هم هستند و ازاین‌رو می‌توان آن را رمانی در هشت فصل هم دانست. در بخشی از یادداشت ابتدایی مترجم درباره این کتاب آمده: «داستان‌ها معمولا روندی آرام دارند. ولی‌ناگهانی‌ها در زیر این سطح آرام جریان دارد که مونرو در طول داستان با ظرافت از آن رمزگشایی می‌کند و برایان خواننده را شگفت‌زده می‌کند. او مضامین خود را از زندگی روزمره مردم انتخاب می‌کند و نگاه ویژه‌ای به مسائل و جزئیات زندگی زنان دارد. هرچند به مشکلات و دغدغه‌های دختران جوان بیشتر علاقه دارد. اما در کتاب‌های اخیرش به مسائل زنان میان‌سال و سالمند توجه بیشتری نشان داده است. مارگارت اتوود، نویسنده کانادایی، آلیس مونرو را یکی از قدیمین ادبیات جهان نام داده است.» «سرنوشت زنان و دختران» نیز رواینی از تجربیات نوجوانی به نام دل‌جردن است که در جنب جنگ به تصویر درآمده است. این کتاب، به روایت اول‌شخص نوشته شده و در بخشی از فصل چهارم آن با عنوان «عصر ایمان» می‌خوانیم: «زمانی‌که ما در خانه‌ای که در انتهای خیابان قلشر،ر بود، زندگی می‌کردیم و پیش از آن‌که مادرم راننده‌گی یاد بگیرد، من و او عادت داشتیم که پیاده به شهر برویم؛ شهری به نام جویبلی، که در فاصله یک‌مایلی

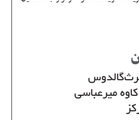

نازارین
بنیتو پرث‌گالدوس
ترجمه کاوه میرعباسی
نشر مرکز

شرح می‌دهد. میرعباسی در مقدمه به دوران نخستین گالدوس اشاره می‌کند: «چشمه زرین» و «جرور» که مضمونی تاریخی دارند و در دهه ۸۰ میلادی نشانده شدند. بعد می‌نویسد: اثار دیگر او را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: رویدادهای ملی، مجموعه‌ای شامل چهارشش رمان تاریخی به‌جای داستان‌های پهلوانی، تخیلش را با خواندن انجیل‌ها مرا می‌انگیزد و آگاهانه عزم جزم می‌کند که شیوه‌ی زندگانی مسیح را سرمشق خویش قرار دهد، بارجمه و در هیبت سالنی سرگردان جاده‌ای روستایی را می‌بیماید و موعظه می‌کند... نازارین مانند دون‌کیشوت که مشتاق مواجهه‌شدن با خطرات مهلک بود، رؤیای عذاب‌های الیم و شدید تحمل‌ناپذیر را در سر می‌پروراند.» البته تشابهات میان نازارین و دون‌کیشوت فراتر از اینها است و از این‌رو مترجم فهرست بلندبالایی از این وجوه تشابه را در دامنه برمی‌شمارد. که از شاخص‌ترین آنها تفاوت هر دو با دیگران است، چه به‌لحاظ طرز گفتار و چه در کردار، مثلا اینکه «زبان ادیبانه نازارین» با زبان اطرافیانش تفاوت چشمگیر دارد. جز این دو اثر کلاسیک مهم «ایلد» و «دون‌کیشوت»، رمان «نازارین» از رساله «ایلوهاریم» تالستوی نیز تاثیر بسیار پذیرفته است. در این اثر نویسنده روس خواهان بازگشت به اصول بنیادین مسیحیت است، که با تفکر اکثرشیستی وجوه اشتراک بسیاری دارند. شهرت رمان «نازارین»، مانند بسیاری دیگر از رمان‌های مطرح کلاسیک تا حد زیادی به اقتباس بونوئل از این رمان برمی‌گردد. فیلمی که شاید از خود رمان نیز شناخته‌تر باشد. اما آن‌طور که فیلم نیز به‌وضوح نشان می‌دهد، گالدوس روایت تازه‌ای از دون‌کیشوت به‌دست می‌دهد و در این مسیر راهی معکوس با «ایلد» «استاپلدگی» را طی می‌کند. اگر «استاپلدگی از مسیح شروع کرد و به دون‌کیشوت رسید، گالدوس نازارین را از دون‌کیشوت آغاز می‌کند. دون‌کیشوت بعد از خواندن داستان‌های پهلوانی به «شهواری سرگردان بدل می‌شود تا با جای پای پهلوانان افسانه‌ای بگذارد، و نازارین با خواندن انجیل به تقلید نزدیک مسیح برانگیخته می‌شود. دون‌کیشوت خود را «شهسوار سرگردان می‌نامد و نازارین، سالن سرگردان. در آخر رمان هم، حافظان نظم اجتماعی، نازارین را آنارشیستی خطرناک می‌خوانند و او بند می‌کنند. «رمان نازارین تجلی تضادهای جامعه اسپانیایی اواخر سده‌ی نوزدهم در ارتباط با مقولهٔ تجدد (مدرنیته) است.» به‌دلیل نیست که گالدوس همواره مورد خشم و حملات مغرضانه نشریات افراطی کاتولیک بود. او در دوران پرآشوب اروپا و اسپانیا می‌زیست: در مادرید دهه ۱۸۶۰، که دین اصلی‌ترین تضاد جامعه بود و دو گروه هوادار لیبرالیسم و نیروهای ارتجاعی بر سر کار و جدال بودند. زندگی تبعید مادرید آن ایام، دستمایه بسیاری از رمان‌های گالدوس است. چنان‌که ریکاردو کولون در کتاب «گالدوس. رمان‌نویس مدرن» می‌نویسد «مادرید دیاره‌المعارف عظیمی بود که جامعه‌ی اسپانیا را به‌گالدوس شناساند.» او پایتخت را مکان محوری رمان‌های خود قرار داد. مادرید در داستان‌های گالدوس همان اعتباری را دارد که پاریس در آثار بالزاک. با لندن در رمان‌های دیکنز.

مترجم «نازارین»، علاوه‌بر ترجمه این رمان مهم، مقدمه‌ای جامع نیز بر آن نوشته است که زمانه و زیست نویسنده و آثار او را به تفصیل

نازارین
بنیتو پرث‌گالدوس
ترجمه کاوه میرعباسی
نشر مرکز

عطف کتاب

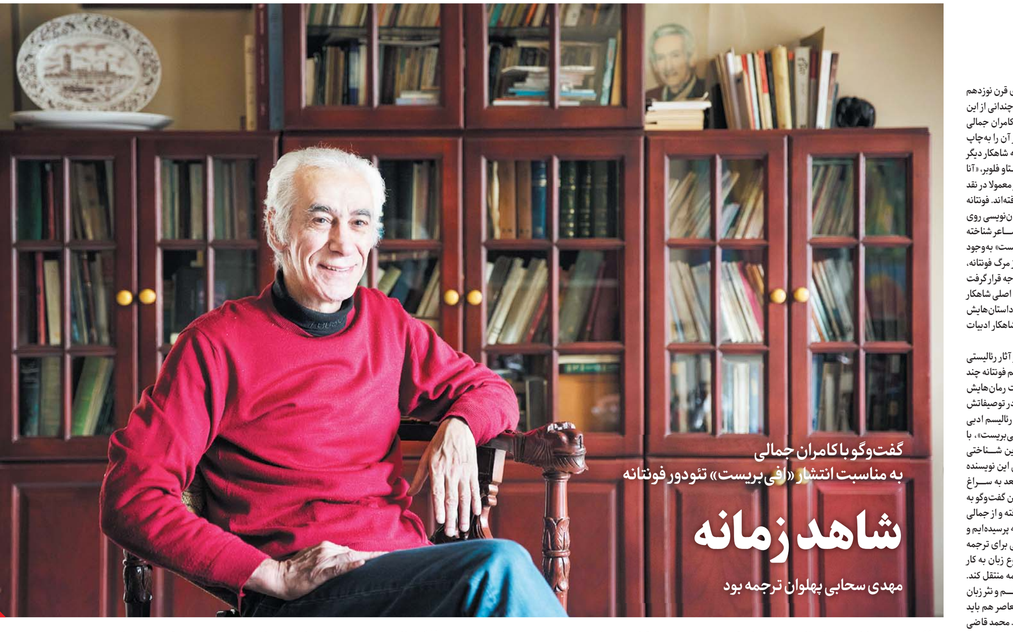

عکس: روزنامه رسانه‌ی شرق

شاهد زمانه

گفت‌وگو با کامران جمالی به مناسبت انتشار «آفی بریست» تئودور فونتانه

مهدی سحابی پهلوان ترجمه بود

پیام حیدرقزوینی

«آفی بریست» تئودور فونتانه از مهم‌ترین رمان‌های قرن نوزدهم ادبیات آلمان است که البته تا پیش از این شناخت چندانی از این رمان و نویسنده‌اش در ایران وجود نداشت. به‌تازگی کامران جمالی «آفی بریست» را به فارسی ترجمه کرده و نشر نیلوفر آن را به‌چاپ رسانده است. «آفی بریست» به‌لحاظ رمانیه به سه شاهکار دیگر قرن نوزدهم شباهت دارد: «مادام بوواری، گوستاو فلوبر، آنا کارنینا، لئون تالستوی و «تائه» اهل زولا. به‌این‌اعتبار معمولا در نقد هریک از این رمان‌ها سه رمان دیگر هم مندنظر قرار گرفته‌اند. فونتانه نویسنده‌ای است که در دوره پایانی عمرش به رمان‌نویسی روی آورد و پیش از آن به‌عنوان روزنامه‌نگار، منتقد تئاتر و شاعر شناخته می‌شد. اما شهرت اصلی فونتانه بعد از انتشار «آفی بریست» به‌وجود آمد که مهم‌ترین اثر او شناخته می‌شود. سال‌ها بعد از مرگ فونتانه، «آفی بریست» بیش از دوران حیات نویسنده مورد توجه قرارگرفت و نویسندگانی مثل توماس مان و گونترگراس اهمیت اصلی شاهکار فونتانه را نشان دادند. به‌خصوص توماس مان که در داستان‌هایش تحت‌تاثیر فونتانه بود و «آفی بریست» را جزو چند شاهکار ادبیات جهان می‌داند.

«آفی بریست» اثری رئالیستی است که مثل دیگر آثار رئالیستی تصویری از زمانه‌اش به‌دست داده است. رئالیسم فونتانه چند ویژگی بارز دارد که یکی طنزی است که در روایت رمان‌هایش وجود دارد و دیگری شیوه‌ای است که نویسنده در توصیفاتش به‌کار بسته است. ازاین‌رو سبک فونتانه با عنوان «رئالیسم ادبی متأخر» شناخته می‌شود. به مناسبت انتشار «آفی بریست»، با کامران جمالی گفت‌وگو کرده‌ایم و چون با پیش از این شناختی از فونتانه در ایران وجود نداشت در ابتدا به زندگی این نویسنده آلمانی و دوره‌های مختلف کاری‌اش پرداخته‌ایم و بعد به سراغ «آفی بریست» و ویژگی‌هایش رفته‌ایم. بخشی از این گفت‌وگو به تجربه آثار کلاسیک و دشواری‌های آن اختصاص یافته و از جمالی درباره ضرورت شناخت سنت ادبی فارسی در ترجمه پرسیده‌ایم و او در پاسخ گفته است: «شناخت آثار کلاسیک فارسی برای ترجمه وافقا ضروری است. در همین «آفی بریست» چند نوع زبان به کار رفته و مترجم باید بتواند این تفاوت‌ها را در ترجمه منتقل کند. انتقال این ویژگی‌ها در ترجمه بدون شناخت نظم و نثر زبان مادری مشکل است. حتی معتقدم در ترجمه آثار معاصر هم باید بر آثار کلاسیک فارسی تسلط وجود داشته باشد.» محمد قاضی چگونه محمد قاضی شد؟ زبانی که قاضی در ترجمه «دون‌کیشوت» استفاده کرده بود، پشتوانه ادبیات کلاسیک فارسی را داشت وگرنه او نمی‌توانست ترجمه‌ای به‌دست دهد که جاودانه باشد. کمتر کسی توانایی قاضی را دارد تا ترجمه‌ای بهتر از او از این کتاب انجام بدهد و این درحالی است که ترجمه قاضی نه از زبان اصلی که از زبان فرانسه صورت گرفته بود. هرچقدر تسلط مترجم بر فارسی نداشته باشد نمی‌تواند شعر یا اثر شعر برگرداند. این در مورد ترجمه آثار معاصر هم صادق است. در «شهر فرنگ» گونتر گراس که من ترجمه‌اش کردم هم شعر وجود دارد و باید قافیه و وزن هم را بشناسیم تا بتوانیم شعری را به فارسی برگردانیم.

«آفی بریست» در ترجمه کامران جمالی و نشر چشمه

«آفی بریست» در ترجمه کامران جمالی و نشر نیلوفر

چرا شما به سراغ فونتانه و رمان «افی‌بریست» اوفتید؟

انتخاب آثار از نویسنده‌ای که هیچکس او را نمی‌شناسد نوعی ریسک به‌شمار می‌رود. به‌نظرم اولین‌باری که فونتانه در ایران مطرح شد، در پانوشتی بود که من در کتاب «قرن من» برای «پل دوسان» از گونترگراس نوشتم. دلیلش هم این بود که دو داستان در «قرن من» براساس داستان‌های فونتانه نوشته شده است و به‌این خاطر چاپ شانزدهم کتاب به فونتانه اشاره کرده بودم. بعد از آن یکی دوجای دیگر به فونتانه اشاره شده بود اما مقاله‌ای در درباره او وجود نداشت. بنابراین شناخت ما از فونتانه خیلی کم بود. من به دلیل علاقه‌ام به ادبیات و تاریخ آلمان و بیورس به سراغ «آفی‌بریست» رفتم. جز این، اصرار مدیر نشر نیلوفر مبنی بر ترجمه این رمان نیز در ترجمه این کتاب موثر بود. در آغاز من چندماهی از ترجمه «آفی‌بریست» طفره رفتم چون می‌دانستم ترجمه‌اش چه کار دشواری است. اما در نهایت اصرار نشر باعث شد که ترجمه کتاب را شروع کنم.

فونتانه به عنوان روزنامه‌نگار و منتقد تئاتر چقدر در فضای فرهنگی آلمان آن دوران مطرح بود؟

به‌طور کلی فعالیت قلمی فونتانه را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد. دوره اول تا سی‌وانه سالگی‌اش طول می‌کشد. در این دوره دو مجموعه بالاد از او منتشر شد که از موفقیت نسبی برخوردار شدند. بالاد نوعی شعر روایی در ادبیات آلمان است که در قرون هجده، نوزده و بیست زائری مهم در شعر آلمانی‌زبان به‌شمار می‌رود. در ادبیات فارسی نمونه‌هایی از این نوع شعر مثلا در «مرغ آمین» نیما، «قصه شهر سنگستان» اخوان، «قصه دختری تنه‌درپا» شاملو و... وجود دارد. فونتانه دو مجموعه بالاد با نام‌های «مردان و قهرمانان» (۱۸۵۰) و «بالادها» (۱۸۶۱) دارد. در همین دوره از فعالیت‌های قلمی فونتانه، همان‌طور که گفتم چهار مقاله سیاحتی هم از او در روزنامه‌ها منتشر شد که مورد توجه زیادی قرار گرفتند. این مقاله‌ها فونتانه را در طف دکرخواهان جامعه در باروپات بورس قرار داد. اگرچه فونتانه به دلیل علاقه عجیبش به بورس نمی‌توانست به‌طور کامل از زندگی‌اش بورسی بیرد. گونترگراس درباره این حالت دوگانه فونتانه گفته بود همیابی فونتانه با انقلاب ۱۸۴۸ بیش از آن‌که نشانه انقلابی‌بودن فونتانه باشد، نشانه تظاهر به انقلابی‌بودن بود.

دوره دوم کار فونتانه، مشهور به «راه‌پیمایی‌ها» است. فونتانه کتابی پنج‌جلدی به نام «راه‌پیمایی‌ها در مارک براندنبورگ» دارد. مارک براندنبورگ نقش مهمی در تاریخ قبل از پروس، بروس و پیدایش آلمان داشت و برلین هم جزئی از این منطقه بوده است. فونتانه در دوره میانی فعالیت‌اش شروع به نوشتن این کتاب می‌کند و کار نوشتن آن بیست‌وهفت سال ادامه پیدا می‌کند. در این کتاب ما شاهد اوج تاریخ‌نگاری هنری- ژورنالیستی هستیم و تاریخ گذشتگان چنان زنده حکایت می‌شود که کوبی حوادث هم‌اکنون دارد روی می‌دهد. اما در تمام قسمت‌های این راه‌پیمایی‌های پنج‌جلدی جنین نیست. این کتاب طی سال‌های ۱۸۶۲ تا ۱۸۸۹ تحریر شده است. پس ناگزیر دارای وحدت شکل و یک‌دستی سبک نگارش نیست و گاهی گزارش‌ها کشاندار و خوانندگنده است و همان ایرادی که فونتانه از تاریخ‌نگاران بورسی می‌گیرد، به‌کتاب خود او هم وارد است. شکل حکایت می‌کند، شامل صفحه‌های به‌چندان کمی از کتاب خودش هم می‌شود. توصیف‌های نالازم، دگر جزئیات غیرضروری، ویژگی‌های شخصیت‌ها که در روند تاریخ بی‌تاثیر است. بخشی از این کتاب پنج‌جلدی را تشکیل می‌دهد. گزیده این پنج جلد امروزه در دو یا سه جلد تجدید چاپ می‌شود که تماما خواندنی است. فونتانه البته سفرنامه‌های دیگری هم دارد مانند سفرنامه‌ای واقعی به نام «تابستانی در لندن» (۱۸۵۴) و همین‌طور خاطرات جنگ بوروس- فونتانه به نام «اسیر جنگی» (۱۸۷۱) و سفرنامه‌ها و خاطرات دیگر که غالبا ارزش تاریخی دارند. دوره سوم فعالیت‌های قلمی فونتانه، دوره‌ای است که او تمام فعالیت‌هایش را کنار می‌گذارد و نقد تئاتر می‌نویسد و همچنین شروع به رمان‌نویسی می‌کند. در آستانه شصت‌سالگی اولین رمانش را می‌نویسد. این هم یکی از عجایب زندگی این آدم است که در این سن شروع به نوشتن رمان کند و در طول سیست‌سال چهارده رمان یا نول بنویسد.

با پس می‌توان گفت که «افی‌بریست» محصول دوران پختگی فونتانه است.

دقیقا. او بعد از «افی‌بریست» تنها یک رمان دیگر نوشت.

«افی‌بریست» تئودور فونتانه از مهم‌ترین رمان‌های قرن نوزدهم ادبیات آلمان است که البته تا پیش از این شناخت چندانی از این رمان و نویسنده‌اش در ایران وجود نداشت. به‌تازگی کامران جمالی «افی‌بریست» را به فارسی ترجمه کرده و نشر نیلوفر آن را به‌چاپ رسانده است. «افی‌بریست» به‌لحاظ رومانیه به سه شاهکار دیگر قرن نوزدهم شباهت دارد: «مادام بوواری، گوستاو فلوبر، آنا کارنینا، لئون تالستوی و «تائه» اهل زولا. به‌این‌اعتبار معمولا در نقد هریک از این رمان‌ها سه رمان دیگر هم مندنظر قرار گرفته‌اند. فونتانه نویسنده‌ای است که در دوره پایانی عمرش به رمان‌نویسی روی آورد و پیش از آن به‌عنوان روزنامه‌نگار، منتقد تئاتر و شاعر شناخته می‌شد. اما شهرت اصلی فونتانه بعد از انتشار «آفی‌بریست» به‌وجود آمد که مهم‌ترین اثر او شناخته می‌شود. سال‌ها بعد از مرگ فونتانه، «آفی‌بریست» بیش از دوران حیات نویسنده مورد توجه قرارگرفت و نویسندگانی مثل توماس مان و گونترگراس اهمیت اصلی شاهکار فونتانه را نشان دادند. به‌خصوص توماس مان که در داستان‌هایش تحت‌تاثیر فونتانه بود و «آفی‌بریست» را جزو چند شاهکار ادبیات جهان می‌داند.

«آفی‌بریست» اثری رئالیستی است که مثل دیگر آثار رئالیستی تصویری از زمانه‌اش به‌دست داده است. رئالیسم فونتانه چند ویژگی بارز دارد که یکی طنزی است که در روایت رمان‌هایش وجود دارد و دیگری شیوه‌ای است که نویسنده در توصیفاتش به‌کار بسته است. ازاین‌رو سبک فونتانه با عنوان «رئالیسم ادبی متأخر» شناخته می‌شود. به مناسبت انتشار «آفی‌بریست»، با کامران جمالی گفت‌وگو کرده‌ایم و چون با پیش از این شناختی از فونتانه در ایران وجود نداشت در ابتدا به زندگی این نویسنده آلمانی و دوره‌های مختلف کاری‌اش پرداخته‌ایم و بعد به سراغ «آفی‌بریست» و ویژگی‌هایش رفته‌ایم. بخشی از این گفت‌وگو به ترجمه آثار کلاسیک و دشواری‌های آن اختصاص یافته و از جمالی درباره ضرورت شناخت سنت ادبی فارسی در ترجمه پرسیده‌ایم و او در پاسخ گفته است: «شناخت آثار کلاسیک فارسی برای ترجمه وافقا ضروری است. در همین «آفی‌بریست» چند نوع زبان به کار رفته و مترجم باید بتواند این تفاوت‌ها را در ترجمه منتقل کند. انتقال این ویژگی‌ها در ترجمه بدون شناخت نظم و نثر زبان مادری مشکل است. حتی معتقدم در ترجمه آثار معاصر هم باید بر آثار کلاسیک فارسی تسلط وجود داشته باشد.» محمد قاضی چگونه محمد قاضی شد؟ زبانی که قاضی در ترجمه «دون‌کیشوت» استفاده کرده بود، پشتوانه ادبیات کلاسیک فارسی را داشت وگرنه او نمی‌توانست ترجمه‌ای به‌دست دهد که جاودانه باشد. کمتر کسی توانایی قاضی را دارد تا ترجمه‌ای بهتر از او از این کتاب انجام بدهد و این درحالی است که ترجمه قاضی نه از زبان اصلی که از زبان فرانسه صورت گرفته بود. هرچقدر تسلط مترجم بر فارسی نداشته باشد نمی‌تواند شعر یا اثر شعر برگرداند. این در مورد ترجمه آثار معاصر هم صادق است. در «شهر فرنگ» گونتر گراس که من ترجمه‌اش کردم هم شعر وجود دارد و باید قافیه و وزن هم را بشناسیم تا بتوانیم شعری را به فارسی برگردانیم.

اما استفاده از آثار کلاسیک فارسی در ترجمه کاهی سوءتفاهم‌هایی هم به وجود آورده و دربرخی ترجمه‌ها به شکلی تصنعی از آثار کلاسیک فارسی استفاده شده است و شاید این مسئله ناشی از نداشته سنت ادبی فارسی در مترجم نه‌شین شده است.

کلاما موافقم. نه‌تنیش‌شدن سنت ادبی در مترجم تعبیری عالی است که به‌کار بردید. تصنعی‌بودن زبان ترجمه که شما اشاره کردید یا به‌کار بستن اندناخت که بسیاری از نویسندگان شده بود. این کتاب گزیده‌ای از شعر بازنده شاعر روس بود و در ترجمه این اشعار سعی شده بود که وزن و قافیه وجود داشته باشد. این‌که کفتید پشتوانه ادبی مترجم نه‌شین در انتخابات نویسنده و در سطح بالای مانده در ترجمه این بی‌معنی به دست می‌دهیم. اما اگر زبان را در این جمله بر سبیل بربایید و مترجم هم توانایی لازم را داشته باشد باید تحلیل که ممکن است طوری ترجمه کرد که نویسنده قصد داشته آن‌طور بنویسد. در غیراین‌صورت سبک نویسنده در ترجمه جا می‌ماند و مترجم فقط داستان را نقل کرده است. گیرم به بهترین شکلی هم ترجمه صورت بگیرد اما سبک نویسنده را نرسانده است.

با اتفاق یکی از انتقادات به برخی به ترجمه مهدی سحابی از «در جستجوی زمان از دست رفته» بروست می‌کنند همین جملات بلند و نودرتوی ترجمه اوست. نظر شما در این مورد چیست؟

بله. جملات طولانی در این اثر بروست خیلی زیاد دیده می‌شود. مهدی سحابی مترجمی بسیار توجه‌ساز بود که توجه‌اش از پروست و همچین سلین جزو شاهکارهای ترجمه است. اما در رمان بورسی جملات طولانی خیلی زیاد است و اگرچه من بودم شاید چند جمله‌ای در ترجمه جملات بلند رمان را می‌شکستم. چون در رمان بورسی هم فعل در پایان جمله می‌آید و باید چندبار برگشت و دوباره خواند تا فهمید این فعل‌ها به چه چیزی مربوط‌اند. اما فقط پهلوانی چون سحابی از پرجمه در «جستجوی زمان از دست‌رفته» برمی‌آید.

«افی‌بریست» و تضادهای زمانه

افی‌بریست
ترجمه کامران جمالی
نشر نیلوفر

توماس مان، که ازبیوان نمایش‌نویسی تئودور فونتانه شناخته می‌شود، درباره «افی‌بریست» نوشته است: «در سخت‌کوشانه‌ترین شیوه گزینش رمان، اگر به یک دوجین از نسبت‌کنیم، به یک ده بالش می‌رسد. افی‌بریست را بیشتر از چشم دوربیم.» او همچنین در نامه‌ای به سال ۱۹۲۲ نوشته که برای دیگر رمان فونتانه را «با لذتی وصف‌ناشدنی» خوانده و خواندن آن را به دیگران توصیه کرده است. افی‌بریست از مهمترین رمان‌های ادبیات آلمانی‌زبان شناخته می‌شود و بر اساس آن بارها فیلم سینمایی ساخته‌اند. از مشهورترین این فیلم‌ها، فیلمی است از کارگردان برآوازه سینمای نو آلمان رایز ورنر فاسبیندر با نام «فونتانه. افی‌بریست» که در سال ۱۹۷۴ ساخته شد. «افی‌بریست» همچنین به‌کوات در پژوهش‌های دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفته و حتی در حرف مدارس آلمان مورد توجه بوده است. فونتانه نویسنده‌ای است که دلبسته تاریخ و ارزش‌های بروسی بود و اگرچه در جنبش مارس ۱۸۴۸ با انقلابیون همدل بود اما همچنان بای در سنت‌های بروسی داشت و این تضاد تا آخر در فونتانه باقی بود. رد تضاد فکری فونتانه به‌طورکلی حتی از دوره از جامعه آلمان و «افی‌بریست» مشاهده می‌شود. فونتانه در آخرین رمانش با عنوان «اشتشلین» تمایلاتش به سوسیال‌دموکراسی را نشان می‌دهد و این به آن معناست که او در سال‌های آخر حیاتش با ارزش‌های نو همراه بوده است. اگرچه امروز فونتانه بیشتر به‌نویسندگی کلاسیک در ادبیات آلمان شناخته می‌شود. اما او در دوره پایانی فعالیت‌هایش به‌رمان‌نویسی روی آورد و پیش از آن به‌عنوان منتقد تئاتر و روزنامه‌نگار شناخته می‌شد. همچنین در میان آثار او دو مجموعه شعر روایی (بالاد) هم وجود دارد. فونتانه رمان‌نویس، نویسنده‌ای است که شاعر رویدادهای زمانه خودش است. رمان‌های فونتانه آثاری رئالیستی‌اند که در آن‌ها تصویر جامعه آلمان در قرن نوزدهم به نمایش درآمده‌اند. فونتانه در آن‌ها تصویر جامعه آلمان را با دقت مستقیم به برپوس گراس نیز از دیگر نویسندگان آلمانی است که علاقه زیادی به آثار فونتانه نشان داده است. گراس برخی از داستان‌هایش را با اشاره مستقیم به آثار فونتانه نوشته است.

وصیت‌نامه گونترگراس

گونتر گراس در سال ۲۰۱۰ رمانی با عنوان «شهر فرنگ» منتشر کرد که بازتاب‌های زیادی داشت. او در این رمان با شیوه‌ای خاص از روایت دست به اعترافاتی زده که موجود توجه زیادی قرار گرفتند. گراس در این رمان، تمام فرشتگان را دور هم جمع کرده و از زبان آنها زمانه زندگی و زمانه خودش نوشته است. «شهر فرنگ علاوه‌بر تاریخ‌نگاری خاص نویسنده از جامعه‌ای که او در آن زندگی کرده، مملو از خرده‌روایت‌های تکان‌دهنده است درباره جنگ جهانی. جنگ سرد، حدودی تصاویر و عکس‌ها و مهم‌تر از آن یک روایت منحصربه‌فرد که درش فرزندان گراس که از همسران متفاوت و مختلفش بودند دور میزی می‌نشینند و هرکدام با لحن خود از درک یوز خودشان می‌گویند. یوزی که یکی از سیاستی‌ترین نویسندگان عمر خود را در دوران تاریخ ایفا است». ایرانیز.و.می‌توان گفت که خود گونتر گراس موضوع «شهر فرنگ» است و درعین‌حال راوی پنهانش. این کتاب را آخرین اثر بزرگ گراس دانسته‌اند و به‌نوعی می‌توان آن را «وصیت‌نامه» نویسنده نامید. گونترگراس از ۴ زن دارای ۶ فرزند است و چهارمین زنش، دو فرزند از نخستین ازدواجش را نیز با خود به خانه آن می‌آورد. در «شهر فرنگ»، خصوصیات کوچک سابق درباره برد یا نادیده‌ش که همان گونتر گراس است در ۴ فرزندان نویسنده جمع شده دیده است و حضور بود در کتاب «شهر فرنگ» بر این رمان تاثیر گذاشته است. گراس در این رمان جمله‌ها را به‌گونه‌ای آن‌چه در ذهن دارد بیان می‌کند. او به‌عبارتی آن‌چه در ذهن دارد را می‌نویسد. «شهر فرنگ» این‌طور آغاز می‌شود: «یکی بود یکی نبود. پدری بود که چون سال‌خورده شد بود از پسران و دخترانش می‌خواست که همگی به دیدار او بروند؛ در شهر پنج. شش. هفت. هشت. هزار بودند؛ تا آخرالامر، پس از خاتیری طولانی خواست بود را برآوردند. اکنون دور یک میز هنوز برخاستند باب گفت‌وشنود را باز می‌کنند...»

چهره‌ادنوهگین من

شهر فرنگ
گونتر گراس
ترجمه کامران جمالی
نشر چشمه

گونتر گراس در کتاب «شهر فرنگ» منتشر کرد که بازتاب‌های زیادی داشت. او در این رمان با شیوه‌ای خاص از روایت دست به اعترافاتی زده که موجود توجه زیادی قرار گرفتند. گراس در این رمان، تمام فرشتگان را دور هم جمع کرده و از زبان آنها زمانه زندگی و زمانه خودش نوشته است. «شهر فرنگ علاوه‌بر تاریخ‌نگاری خاص نویسنده از جامعه‌ای که او در آن زندگی کرده، مملو از خرده‌روایت‌های تکان‌دهنده است درباره جنگ جهانی. جنگ سرد. حدودی تصاویر و عکس‌ها و مهم‌تر از آن یک روایت منحصربه‌فرد که درش فرزندان گراس که از همسران متفاوت و مختلفش بودند دور میزی می‌نشینند و هرکدام با لحن خود از درک یوز خودشان می‌گویند. یوزی که یکی از سیاستی‌ترین نویسندگان عمر خود را در دوران تاریخ ایفا است». ایرانیز.و.می‌توان گفت که خود گونتر گراس موضوع «شهر فرنگ» است و درعین‌حال راوی پنهانش. این کتاب را آخرین اثر بزرگ گراس دانسته‌اند و به‌نوعی می‌توان آن را «وصیت‌نامه» نویسنده نامید. گونترگراس از ۴ زن دارای ۶ فرزند است و چهارمین زنش، دو فرزند از نخستین ازدواجش را نیز با خود به خانه آن می‌آورد. در «شهر فرنگ»، خصوصیات کوچک سابق درباره برد یا نادیده‌ش که همان گونتر گراس است در ۴ فرزندان نویسنده جمع شده دیده است و حضور بود در کتاب «شهر فرنگ» بر این رمان تاثیر گذاشته است. گراس در این رمان جمله‌ها را به‌گونه‌ای آن‌چه در ذهن دارد بیان می‌کند. او به‌عبارتی آن‌چه در ذهن دارد را می‌نویسد. «شهر فرنگ» این‌طور آغاز می‌شود: «یکی بود یکی نبود. پدری بود که چون سال‌خورده شد بود از پسران و دخترانش می‌خواست که همگی به دیدار او بروند؛ در شهر پنج. شش. هفت. هشت. هزار بودند؛ تا آخرالامر، پس از خاتیری طولانی خواست بود را برآوردند. اکنون دور یک میز هنوز برخاستند باب گفت‌وشنود را باز می‌کنند...»

«افی‌بریست» و رمان «افی‌بریست»

«افی‌بریست» مهم‌ترین اثر اوست. فونتانه در زمان حیاتش با «افی‌بریست» بود که به جایگاهی که می‌خواست رسید. این کتاب در همان سال انتشارش تجدید چاپ شد و چند سال بعد از مرگش چاپ شانزدهم کتاب به بازار آمد. ایمن رمان با ستایش و اقبال کم‌نظیر خوانندگان روبه‌رو شد؛ اما بااین‌حال جایگاه «افی‌بریست» در رمان فونتانه به‌اندازه جایگاه آن در قرن بیستم و تاریخ کشتنش چنان زنده حکایت می‌شود که کوبی حوادث هم‌اکنون دارد روی می‌دهد. اما در تمام قسمت‌های این راه‌پیمایی‌های پنج‌جلدی جنین نیست. این کتاب طی سال‌های ۱۸۶۲ تا ۱۸۸۹ تحریر شده است. پس ناگزیر دارای وحدت شکل و یک‌دستی سبک نگارش نیست و گاهی گزارش‌ها کشاندار و خوانندگنده است و همان ایرادی که فونتانه از تاریخ‌نگاران بورسی می‌گیرد، به‌کتاب خود او هم وارد است. شکل حکایت می‌کند، شامل صفحه‌های به‌چندان کمی از کتاب خودش هم می‌شود. توصیف‌های نالازم، دگر جزئیات غیرضروری، ویژگی‌های شخصیت‌ها که در روند تاریخ بی‌تاثیر است. بخشی از این کتاب پنج‌جلدی را تشکیل می‌دهد. گزیده این پنج جلد امروزه در دو یا سه جلد تجدید چاپ می‌شود که تماما خواندنی است. فونتانه البته سفرنامه‌های دیگری هم دارد مانند سفرنامه‌ای واقعی به نام «تابستانی در لندن» (۱۸۵۴) و همین‌طور خاطرات جنگ بوروس- فونتانه به نام «اسیر جنگی» (۱۸۷۱) و سفرنامه‌ها و خاطرات دیگر که غالبا ارزش تاریخی دارند. دوره سوم فعالیت‌های قلمی فونتانه، دوره‌ای است که او تمام فعالیت‌هایش را کنار می‌گذارد و نقد تئاتر می‌نویسد و همچنین شروع به رمان‌نویسی می‌کند. در آستانه شصت‌سالگی اولین رمانش را می‌نویسد. این هم یکی از عجایب زندگی این آدم است که در این سن شروع به نوشتن رمان کند و در طول سیست‌سال چهارده رمان یا نول بنویسد.

با پس می‌توان گفت که «افی‌بریست» محصول دوران پختگی فونتانه است.

دقیقا. او بعد از «افی‌بریست» تنها یک رمان دیگر نوشت.

عطف کتاب

مهاجران

نسیم آصف: «در این شب بی‌مهتاب، مردها و پسربچه‌های جابه‌شهری هم که‌قره در خلیج سوریه، فانوس‌هایشان را در قایق‌های آرامشان روشن نگه داشته‌اند. پنج یا شش بلم، در هرکدام نیز دو یا سه ماهیگیر، کمی دورتر می‌خواهند بلم‌ها را دریادور در دریای سیاه به نظم درآورند. تورها را به آب انداخته‌اند. و فانوس‌ها را روی آب گرفته تا روشنایی ماه را بیارایند. چیزی نمی‌گذرد که ماهی دلخواهشان یعنی ساردین به دور یدکدیگر جمع می‌شوند. توده‌های نقره‌ای‌رنگ که آرام از زیر آب به سطح می‌آیند. سارديين‌ها به سوی پلانکتون‌ها، و پلانکتون‌ها به‌سوی نور می‌شتابند. به‌شکل زنجیری دایره‌وار می‌رفتند و می‌آمدند و ساعتی بعد تعدادشان افزایش می‌یافت. فاصله‌های سیاه میان توده‌های نقره‌ای کم‌تر می‌شد تا جایی که ماهیگیرها می‌توانستند آن‌ها را ببینند. توده‌های لرزان از چرخش ماهی‌های نقره‌ای‌رنگ...» «زیتون» اثر دیو اگرز با این سطور آغاز می‌شود. «زیتون»، روایتی است از ماجراها و حوادث زندگی خانواده‌ای مهاجر در ایالات متحده آمریکا. این رمان به‌تازگی با ترجمه شهین وکیلی‌نهامی در نشر بوتیمار منتشر شده است. در این داستان می‌بینیم که در یک دوره تاریخی مشخص نیز این خانواده چه گذشته است. نویسنده در ابتدای کتاب درباره این اثرش نوشته: تمام وقایع در این اثر، مطابق شرح عملیات‌ها و متن و محتوای اثر در حیطه اختیارات نویسنده و کیفیت دیداری کارآگرهای نوشتاری (تایپ) برعهده خواهرت تایپ و کرافیست‌ها است. لذا تمرکز بر فرم کارآگرهای نوشتاری و کیفیت دیداری آن‌ها به‌عنوان ابزار کارآگرهای نوشتاری و کیفیت دیداری آن‌ها به‌عنوان یک تصویر و ابزار تزئینی صرف. با تربیت و حساس‌ساختن طراحان و کرافیست‌ها درواقع برای رساله دکتری تاثیر موضوعی برای رساله دکتری انتخاب شده است. امکان سنجی تدوین مبانی دیداری و تمرین‌های مهندسی تایپ در کارآگرهای منفصل نوشتار فارسی براساس مبانی هنرهای تجسمی و اصول دوازده‌گانه خوشنویسی، موضوع پژوهشی دامنه‌دار بوده است از دکتر فائزه طاهری، مدرس دانشگاه و پژوهشگر. این پژوهش مفصل با دید نشان داده که هم کلمات نیز به اندازه محتوای کتاب‌ها بر مخاطب تاثیر دارد